

بررسی تطبیقی- کمی اثر سیاست‌های قومی بر تضاد قومی و شیوه بروز آن ۱۹۹۵-۲۰۰۴

مسعود چلبی^۱

استاد جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی

دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۰/۸/۲۰، تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۱۰/۶)

محمد یزدانی نسب

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

دانشگاه شهید بهشتی

چکیده:

این مطالعه در صدد بررسی تضاد قومی و آثار سیاست‌های قومی دولت‌ها، به‌ویژه سیاست‌های تبعیضی و همزاد آن نابرابری اسمی بر شیوه بروز تضاد قومی و بی‌ثباتی اجتماعی است. روش تحقیق مطالعه حاضر روش تطبیقی-کمی می‌باشد، که با بهره‌گیری از داده‌های ثانویه موجود و واحد تحلیل کشور-زمان به بررسی دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۴ پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بعد اقتصادی سیاست‌های تبعیضی، شامل تفاوت و تبعیض اقتصادی، مهمترین عامل بروز اعتراض و بعد محیط زیستی نامساعد سیاست‌های تبعیضی، مهمترین عامل بروز شورش بوده است و به دنبال آن اهمیت ابعاد سیاسی و فرهنگی مطرح می‌باشد. همچنین با تفکیک کشورهای مورد مطالعه به شش منطقه، اهمیت بعد اقتصادی و بعد محیط زیستی نامساعد به ترتیب برای اعتراض و شورش، حفظ شد؛ همچنین با تفکیک مناطق برخی نتایج متفاوت در دیگر ابعاد سیاست‌های تبعیضی ظاهر گشت که قابل توجه است. به علاوه همراه با توسعه سیاسی کشورها میزان اعتراض افزایش و میزان شورش کاهش می‌یابد. ضمناً رابطه معناداری بین اندازه دولت و هویت گروهی با اعتراض و شورش دیده نشد. این در حالی است که متغیر بسیج گروهی تأثیر مثبت و معناداری بر میزان اعتراض و شورش دارد.

واژگان کلیدی: قومیت، سیاست‌های تبعیضی، نوع حکومت، بسیج گروهی، تضاد قومی.

^۱. آدرس الکترونیکی: m-chalabi@sbu.ac.ir

مقدمه

در اکثر کشورهای جهان، قلمرو سیاسی دربردارندهٔ بیش از یک گروه قومی است. مقایسهٔ ساده تعداد دولت‌های مستقل جهان و تعداد گروه‌های قومی ساکن در کرهٔ خاکی بیانگر آن است که جز در موارد معدودی، اکثریت دولت‌ها بر بیش از یک گروه قومی در قلمرو سیاسی خود حکم می‌رانند. از طرفی در حالی که اهمیت اجتماعی قومیت در همهٔ جوامع چند قومی امری عام به شمار می‌رود، اهمیت یافتن قومیت از حیث سیاسی پدیدهٔ جدیدی است که برخی جوامع چند قومی از پایان جنگ جهانی دوم با آن مواجه‌اند. غالب اندیشمندان در اینکه تضادهای قومی به آرامی و با پایان جنگ دوم جهانی رو به گسترش نهاده است و در دو دههٔ پایانی قرن بیستم و با فروپاشی بلوک شرق شدت بیشتری گرفته‌اند، همداستان هستند (فیرون و لایتین، ۲۰۰۳ و گور، ۱۹۹۳).

رویدادهای پس از سقوط کمونیسم (۱۹۸۹)، در کشورهای نظیر یوگسلاوی که پیش از آن تحت حاکمیت یک ایدئولوژی سلطه‌جویانه بودند، بسیاری از ناظران را در برابر پیدایش دوبارهٔ احساسات گروهی و رفتارهای جمعی، که پنداشته می‌شد برای همیشه از اروپا رخت بر بسته‌اند، حیران ساخت. ملی‌گرایی افراطی، برخوردهای تعصب‌آمیز میان اجتماعات، بروز خشونت‌های حاد، سر باز کردن نفرت‌های ریشه‌دار، گرایش‌های کهنه به انتقام جویی، بیرون ریختن تمایلات بیمار گونه نسبت به دیگری و ... صحنه‌های متفاوت از نمایی بودند که رسانه‌های جمعی بی آنکه کوچک‌ترین زحمتی برای توضیح آنها به خود بدهند، صرفاً برجسته‌شان می‌ساختند و همین امر کافی بود تا افکار عمومی غرب، که پیش از آن در نوعی رضایت‌مندی جامعهٔ مصرفی فرو رفته بود و دغدغه‌ای جز مسائلی همچون اشتغال و مسکن نداشت، پریشان شود (برتون، ۱۳۸۷: ۱۵).

از طرفی تضادهای قومی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متفاوتی بروز کرده‌اند. ضمن اینکه ماهیت و محتوای ستیزها و جنبش‌های قومی هم متنوع است. به عنوان مثال ماهیت مسائل قومی در ولز و اسکاتلند همانند ماهیت آن در کبک کانادا یا باسک اسپانیا و یا آنچه در هند و پاکستان و ایران رخ می‌دهد نیست. به علاوه تمام سیستم‌های سیاسی اعم از استبدادی (اقتدارگرا)، دموکراتیک، فدراتیو، متمرکز، آسیایی، آفریقایی، آمریکای شمالی و اروپایی همه در معرض جنبش‌های قومی هستند. از طرفی تضادهای قومی اشکال مختلف به خود می‌گیرد. گاهی با اعتراض غیرخشونت‌بار و گاهی با اعتراض خشونت‌بار، شورش، عملیات تروریستی و ... ظاهر می‌گردد.

ایران نیز کشوری با قومیت‌های متعدد از قبیل: آذری، کرد، لر، عرب، ترکمن و بلوچ است و در طول تاریخ و دوران معاصر با مسأله قومیت به اشکال مختلف مواجه بوده است. به طوری که به لحاظ تاریخی فرایند شکل‌گیری دولت مدرن، با تمایلات تمرکزگرایانه، در سیاسی شدن اختلافات مذهبی - زبانی در ایران بسیار موثر بود. با این همه این تحول یک امر خود به خودی نبوده است. روشنفکران و نخبگان سیاسی در طول مبارزات خود علیه دولت مدرن تمرکزگرا و اقتدارطلب بر سر کسب قدرت، در تلاش برای شکل دادن به هویت قومی و سیاسی کردن مسائل زبانی - مذهبی نقش اساسی ایفا کرده‌اند. نیروهای بین‌المللی نیز با حمایت فکری، سیاسی و مادی زمینه طرح گرایش‌های قومی در میان گروه‌های مختلف اقلیت در ایران را فراهم و آن را تقویت کردند (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۲).

با این وجود هنوز ادبیات تجربی در زمینه بررسی‌های تطبیقی کمی در موضوع تضاد قومی به تکامل و غنای کافی دست نیافته است. چرا که مروری بر نتایج بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهد که در مورد تأثیر عوامل مختلف در بروز تضادهای قومی نمی‌توان از یک اجماع نسبی سخن به میان آورد. مطالعات تطبیقی کمی در موضوع تضادهای قومی، در ارتباط با نقش عواملی چون تعدد قومی، نوع نظام سیاسی، دموکراتیزاسیون و ... به نتایج متنوع و در مواردی کاملاً متناقض دست یافته‌اند.

با توجه به موارد ذکر شده، می‌توان به اهمیت مسأله قومیت در حوزه جامعه‌شناسی تطبیقی پی برد و آن را متغیری مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری سیاست‌ها و استراتژی‌های دولت در تمام حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بوم‌شناختی به شمار آورد. به همین منظور در این مطالعه سعی شده است تا این مطالعه حول این سؤال کلی سامان یابد که اتخاذ چه سیاست‌هایی از سوی دولت منجر به بروز تضادهای قومی از سوی گروه‌های قومی در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ در سطح کشورهای جهان که با تنوع قومی مواجه‌اند، شده است؟ لازم به ذکر است تضاد قومی که در این تحقیق مد نظر قرار می‌گیرد، تضاد گروه‌های قومی با حکومت است و نه تضاد بین قومی.

اهداف تحقیق

- بررسی الگوهای عام و نظم‌های تکرار شونده در ارتباط با بروز تضادهای قومی از طریق مطالعات تطبیقی کمی.

- با توجه به مسائل قومی در جهان امروز، بررسی این نکته که چه ابزارهایی در دست دولت قرار دارد و چه سیاست‌هایی باید اعمال گردد تا بتواند امر قومی را در قالب دولت‌های ملی به شکلی مدیریت کند، که مانعی برای رشد و توسعه پایدار جوامع به وجود نیاید و تضاد قومی را به حداقل برساند.

واکاوی نظری تحقیق

الگوی نظری تحقیق حاضر، تلفیقی از نظریه‌های نارضایتی قومی، بسیج اقلیتی و نظریه فرصت می‌باشد.

نظریه نارضایتی^۱، از جمله نظریه‌هایی است که در این تحقیق از آن بهره برده‌ایم. اشتینبرگ (۲۰۰۸) نقطه شروع نظریه نارضایتی را وضعیت نامساعد سیاسی و اقتصادی گروه‌های قومی می‌داند که باعث شده تا گروه‌هایی که تحت این نارضایتی بوده‌اند، از گروه‌هایی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی سود برده‌اند، خشمگین و متنفر باشند و در نتیجه در برابر برخی گروه‌ها خشونت‌هایی را به کار گیرند تا بتوانند موقعیت نسبی خود را بهبود بخشند (اشتینبرگ، ۲۰۰۸: ۲۳۸).

برخی از پژوهش‌گران در این رشته توجه ویژه‌ای نسبت به این نظریه ابراز داشته‌اند؛ منتهی تفاوت آن‌ها به علت تأکید بر ابعاد تبعیض و یا توجه به تأثیرات آن بر ابعاد عینی/ذهنی است. به عنوان مثال بانگورا (۲۰۰۶) و کولیر و هوفلر (۲۰۰۴) به بعد عینی و تأثیر نابرابری بر «بسیج» افراد تأکید کرده است. برخی دیگر بر تأثیر نابرابری بر عامل ذهنی «انگیزه» توجه کرده‌اند (کولیر و هوفلر، ۲۰۰۴: ۵۶۴). تفاوت برخی دیگر از صاحب‌نظران در تأکید آنان بر ابعاد تضاد است. برخی به تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به یک میزان توجه دارند. ولی برخی مانند بوهانگ (۲۰۰۸) بر بعد سیاسی تأکید داشته و تبعیض سیاسی را تعیین‌کننده‌تر می‌دانند.

نظریه فرصت از دیگر نظریه‌هایی است که در این زمینه از آن استفاده گردیده است. والتر (۲۰۰۶) سه بعد را برای فرصت مد نظر قرار می‌دهد. بعد اول به ویژگی‌های ساختاری گروه مثل انسجام گروهی، یا تمرکز منطقه‌ای گروه‌ها توجه دارد؛ بعد دوم که در سطح

^۱. grievance

گروه مطرح می‌گردد به توان گروه به‌خصوص توان مالی گروه توجه دارد؛ بعد سوم به توان حکومت در قبال گروه‌ها در سطح کلان توجه دارد. بوهاگ (۲۰۰۶) نیز معتقد است، توان بالای حکومت باعث افزایش هزینه‌ها برای شورشیانی می‌شود که قصد دارند مطالبات خود را از طریق خشونت کسب کنند. برعکس رژیم ضعیف نارضایتی‌ها را افزایش می‌دهد (بوهاگ، ۲۰۰۶: ۶۹۵). در قالب این نظریه از سه نوع توان حکومت سخن گفته می‌شود؛ توان نهادی و اقتصادی که بوهاگ (۲۰۰۶) آنها را مطرح کرده است و توان نظامی را که فیرون و لایتین (۲۰۰۱) در نظر گرفته‌اند. بوهاگ (۲۰۰۶) توان نهادی را به سیستم‌های سیاسی مربوط دانسته و معتقد است، در کشورهایی که ثبات سیاسی آنها بالاست، احتمال مواجهه با تضادهای قومی نیز کم است. وی مکانیسم‌های متفاوتی در این باره مطرح کرده و معتقد است نظام‌های سیاسی استبدادی، از طریق از بین بردن فرصت‌ها و ایجاد سرکوب، و در نتیجه افزایش هزینه گروه‌ها برای شورش سبب کاهش علنی شدن تضاد می‌گردند؛ در مقابل نظام‌های سیاسی دموکراتیک با از بین بردن انگیزه شورش، بواسطه اعطای فرصت‌های برابر و عدم تبعیض، منجر به کاهش تضاد می‌شوند. اما کشورهایی که از ثبات سیاسی برخوردار نیستند و تناقضات ذاتی در سیستم سیاسی آنها وجود دارد، پتانسیل قابل ملاحظه‌ای برای کشمکش دارند.

در مورد توان اقتصادی هم می‌توان گفت استانداردهای بالای زندگی و نرخ پایین بیکاری، پیوستن به گروه‌های شورشی را کاهش می‌دهد (بوهاگ، ۲۰۰۶: ۶۹۶). اما فیرون و لایتین (۲۰۰۱) در قالب همین نظریه، مهمترین عامل تعیین‌کننده مقابله با شورش را پلیس، ظرفیت نظامی، شایستگی حکومت و نیز دسترسی نهادهای حکومتی به مناطق روستایی می‌داند (فیرون و لایتین، ۲۰۰۱: ۹). در بحث نظریه فرصت و در سطح گروه به توان گروه‌های قومی توجه می‌شود. فیرون و لایتین (۲۰۰۱) در این باره به "ضعف" توجه کرده‌اند و آن را به دو دسته مطلق و نسبی تقسیم می‌کنند. گروه شورشی برای اینکه در برابر حکومت ضعف مطلق نداشته باشد، منطقی‌اً از سه عامل بهره می‌جوید. ۱) منطقه ناممور، و منطقه‌ای که به صورت ناچیزی به جاده دسترسی داشته باشد، و وجود فاصله از مرکز قدرت دولت (۲) مقبولیت خارجی شورش (مشروعیت خارجی) و (۳) جمعیت محلی که برای محکوم کردن شورشیان در برابر عوامل حکومتی تحریک نشود (مشروعیت

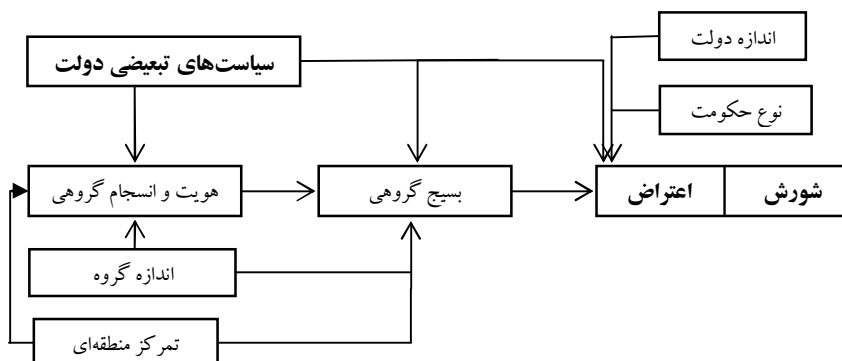
محلی (فیرون و لایتین، ۲۰۰۱: ۷). به منظور مقابله با ضعف نسبی، گروه شورشی نیازمند توان مالی است، که عمدتاً از طریق جلب حمایت مادی و نظامی و انجام قاچاق کالا صورت می‌گیرد.

در همین راستا تد رابرت گور (۱۹۹۳)، در مدلی تلفیقی (تلفیق تئوری نارضایتی و بسیج اقلیتی) محرومیت را به عنوان اولین نیروی برانگیزاننده برای عمل سیاسی در نظر گرفته است و بعد از آن بر بسیج نیرو تأکید می‌کند. وی در مدل ۱۹۹۳ خود به سه مجموعه که بر نارضایتی، بسیج و تضاد قومی تأثیر گذارند توجه می‌کند که شامل: ۱. شرایط مستعد که منجر به نارضایتی شده و از طرف دیگر پتانسیلی برای بسیج محسوب می‌شوند. ۲. ویژگی‌های دولت که بر کنش سیاسی تأثیر گذار است. ۳. عوامل بین‌المللی. گور (۱۹۹۷) در کار بعدی خود با تأکید بر بسیج نیرو و نارضایتی، آنها را مهمترین عوامل در تبیین تضادهای قومی می‌داند. گور معتقد است با افزایش شرایط نامساعد گروهی، احساس نارضایتی افزایش می‌یابد؛ وی در مورد هویت و انسجام گروهی عقیده دارد که با افزایش تفاوت‌های گروهی و در زمانی که گروهی در تضاد با دیگر گروه‌ها باشد، هویت گروهی نیز برجسته می‌شود. تمرکز منطقه‌ای و اندازه جمعیت مطلق و نسبی نیز منجر به افزایش پتانسیل بسیج می‌گردد. از دیگر عوامل که گور بدان توجه دارد، ویژگی‌های دولت و تغییرات سیاسی است. وی معتقد است در دموکراسی‌های صنعتی پیشرفته، راه حل در گرو به کارگیری هنجارهای دموکراتیک؛ حقوق و فرصت برابر برای قومیت‌ها است. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه سیاسی، بسیج نیرو در حال افزایش است. در اینگونه جوامع، پیش‌بینی می‌شود فرایند توسعه سیاسی با اعتراضات خشن و شورش همراه باشد. وی در مورد قدرت دولت معتقد است دولت‌های قدرتمند و ثروتمند توانایی این را دارند تا اقلیت‌ها را همساز کنند و یا آنها را با هزینه کمی سرکوب کنند، که این بستگی به نظر نخبه‌ها در آن دولت دارد. ولی حاکمان دولت‌های ضعیف در حالت بازی با مجموع صفر هستند. کنش سیاسی در اکثر دولت‌های قدرتمند، محدود و در حد اعتراضات است، در حالی که شورش‌های عمومی متوالی همواره با دولت‌های ضعیف همراه است (گور، ۱۹۹۳: ۱۷۷-۱۷۶). در ادامه یک مدل نظری تلفیقی بر اساس نظریه‌های مذکور، ارائه می‌شود.

مدل نظری تحقیق

مدل نظری تحقیق بر اساس رویکردی تلفیقی، در نمودار زیر نشان داده شده است.

نمودار ۱. مدل علی تحقیق



دو رویکرد عمده که در ادبیات نظری بحران‌های قومی همواره به عنوان عوامل تأثیرگذار مطرح بوده، نارضایتی و بسیج گروهی است. به منظور تحلیل مناسب‌تر در مدل فوق، تضاد قومی، به دو شیوه "اعتراض" و "شورش" بروز پیدا می‌کند، تا با تفکیک این دو شکل بروز، تبیین قابل قبولی حاصل گردد. یکی از متغیرهای مطرح شده در مدل، سیاست‌های تبعیضی می‌باشد. سیاست‌های تبعیضی عملاً منجر به نابرابری‌های اسمی (بیرونی) می‌شوند که این می‌تواند احساس تبعیض (قومی) و احساس بی‌عدالتی و غضب اخلاقی را به همراه داشته باشد (چلبی: ۱۳۷۵، ۱۳۸۹). از این رو سیاست تبعیضی می‌تواند بطور بالقوه یکی از علل اعتراض اجتماعی یا شورش را فراهم نماید.

سیاست‌های تبعیضی در این تحقیق شامل چهار بعد می‌باشد. بعد محیط زیستی نامساعد، بعد اقتصادی شامل دو بعد جزئی تبعیض اقتصادی و تفاوت اقتصادی، بعد فرهنگی شامل تبعیض فرهنگی، بعد سیاسی شامل دو بعد جزئی تبعیض سیاسی و تفاوت سیاسی. تفاوت‌های سیاسی و اقتصادی، به ترتیب معادل نابرابری سیاسی و نابرابری اقتصادی است ولی لزوماً از تبعیض تعمدی ناشی نمی‌شود (MAR code ebook:26). بعد تبعیض سیاسی و تبعیض اقتصادی نیز بر اساس نقش سیاست‌ها در حفظ یا از بین بردن نابرابری سیاسی و نابرابری اقتصادی محاسبه شده است (MAR code ebook:33). مانند سیاست‌های جبرانی، سیاست‌های بی‌طرفانه یا سیاست‌های سرکوب‌گرانه^۱. با افزایش

^۱ توضیحات مبسوط و معرف هر یک از ابعاد و متغیرها در بخش بعدی (تعاریف مفهومی و عملیاتی تحقیق) ارائه شده است.

سیاست‌های تبعیضی، احتمال بروز تضاد قومی افزایش می‌یابد (اشتینبرگ ۲۰۰۸، بانگورا ۲۰۰۶، والتر ۲۰۰۶، بوهاگ ۲۰۰۸، فیرون و همکاران ۲۰۰۷، گور ۱۹۹۳، گور ۱۹۹۷). طبق مدل مزبور، علاوه بر تأثیر مستقیم سیاست‌های تبعیضی بر تضاد قومی، این متغیر با مکانیسم‌های دیگری نیز بر تضاد اثرگذار است. با افزایش سیاست‌های تبعیضی در قبال گروه‌ها، احتمال شکل‌گیری بسیج گروهی افزایش می‌یابد؛ لذا با افزایش شکل‌گیری بسیج گروهی، احتمال بروز تضاد قومی بالا می‌رود. مکانیسم دیگری که منجر به تأثیر سیاست‌های تبعیضی بر تضاد است؛ اثر این سیاست‌ها بر افزایش هویت و انسجام گروهی و در نتیجه افزایش شکل‌گیری بسیج گروهی و در نهایت بروز تضاد قومی است.

انسجام و هویت گروهی، از دیگر عوامل مطرح شده در این مدل است. با افزایش انسجام گروهی و نیز تقویت هویت گروهی، پتانسیل برای شورش نیز افزایش می‌یابد. (والتر ۲۰۰۶، گور ۱۹۹۳، گور و مور ۱۹۹۷). اندازه گروه، و تمرکز منطقه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای است که در ترکیب با دیگر متغیرها شرایط را برای شکل‌گیری بسیج قومی مهیا می‌کند. (والتر ۲۰۰۶، سدرمن و رود ۲۰۰۶، فیرون و لایتین ۲۰۰۱، گور و مور ۱۹۹۳).

نوع حکومت (نوع رژیم سیاسی) و اندازه دولت از متغیرهایی است که به ویژگی‌های دولت بر می‌گردد. در دموکراسی‌های نهادینه شده، احتمال رخداد اعتراضات رسمی وجود داشته ولی احتمال شورش بسیار ضعیف است (اشتینبرگ ۲۰۰۸، گور و مور ۱۹۹۳). در تحقیق حاضر اندازه دولت بیشتر بعد اقتصادی را شامل می‌شود. به نوعی می‌توان اندازه دولت را با میزان مداخله حکومت در اقتصاد یکسان انگاشت. به عبارت دیگر با افزایش اندازه دولت، در واقع مداخله حکومت در اقتصاد افزایش می‌یابد. نظرات متفاوتی راجع به اندازه دولت یا نقش دولت در اقتصاد وجود دارد. برخی صاحب‌نظران معتقدند با افزایش اندازه دولت و حدود اختیارات آن نارضایتی نیز افزایش می‌یابد (اشتینبرگ ۲۰۰۸، گور و مور ۱۹۹۳). از طرفی برخی نظر مخالف را دارند. در ادامه با توجه به مدل فوق چهار فرضیه مطرح می‌شود، شامل:

۱- هر چه سیاست‌های اتخاذ شده در برابر قومیت‌ها تبعیض‌آمیزتر گردد، میزان اعتراضات و شورش‌ها افزایش می‌یابد.

۲- با افزایش احتمال شکل‌گیری بسیج گروهی، میزان بروز اعتراضات و شورش افزایش می‌یابد.

۳- هر چقدر دولت از لحاظ اقتصادی بزرگتر گردد و به عبارتی بیشتر در اقتصاد مداخله

کند، میزان بروز اعتراض و شورش افزایش می‌یابد.
 ۴- نوع حکومت با اعتراض و شورش رابطه دارد؛ به نحوی که هر چقدر کشورها دموکراتیک‌تر باشند، میزان اعتراضات بالا و میزان شورش‌ها کاهش می‌یابد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

- تضاد قومی

در این مطالعه بعد عینی تضاد قومی مد نظر بوده و مبنای سنجش آن نیز کنش سیاسی است که به وقوع پیوسته باشد. کنش سیاسی نیز طبق تعریف، به عمل آغاز شده توسط اعضای یک گروه، بواسطهٔ علایقشان و طراحی شده در برابر اقتدار دولت و یا طراحی شده برای تأثیرگذاری بر اقتدار دولت اطلاق می‌شود. علاوه بر آن، تضاد قومی خود به دو شیوه بروز پیدا می‌کند: اعتراض و شورش. اعتراض، به عمل سیاسی غیر خشونت بار و شورش به عمل سیاسی خشونت بار اطلاق می‌شود.^۱ لازم به یادآوری است که در این مقاله تنها تضاد گروه‌های قومی با حکومت مد نظر است و نه تضادهای بین قومی. اعتراض و شورش به عنوان شیوه‌های بروز تضاد قومی با حکومت بر اساس معرف‌های زیر سنجیده شده‌اند (گور، ۱۹۹۳: ۱۶۸).

جدول ۱. معرف‌های متغیر اعتراض

| نمره معرف | معرف | توضیحات |
|-----------|--------------------|---|
| ۰ | اعتراضی گزارش نشده | - |
| ۱ | مخالفت زبانی | مانند: نامه های عمومی، شکایات، پوستر، نشریات و غیره |
| ۲ | مقاومت نمادین | مانند: اعتصاب، ممانعت ترافیکی، خرابکاری، تخریب نمادین دارایی‌ها |
| ۳ | تظاهرات جزئی | تظاهرات، تجمعات و اعتصاب های کمتر از ۱۰ هزار نفر |
| ۴ | تظاهرات متوسط | تظاهرات، تجمعات و اعتصاب های کمتر از ۱۰۰ هزار نفر |
| ۵ | تظاهرات وسیع | تظاهرات، تجمعات و اعتصاب های بیش از ۱۰۰ هزار نفر |

^۱ برای تمایز اعتراض اجتماعی با شورش در این مطالعه، مفهوم اولی در معنای محدود به کار رفته است. برای بررسی انواع تعاریف مفهومی اعتراض اجتماعی به اوپ (۲۰۰۹) مراجعه شود.

جدول ۲. معرف‌های متغیر شورش

| نمره معرف | معرف | توضیحات |
|-----------|----------------------------|---|
| ۰ | شورشی گزارش نشده | - |
| ۱ | تروریسم پراکنده | ترورهای پراکنده و نامنظم |
| ۲ | کمپین تروریستی | وجود کمپین‌های تروریستی و سازماندهی ترورها و خرابکاری‌ها |
| ۳ | شورش‌های منطقه‌ای | تلاش مسلحانه برای تصرف قدرت در منطقه، جنگ‌های چریکی در طول سال |
| ۴ | فعالیت چریکی در مقیاس کوچک | تمام شرایط زیر باید وجود داشته باشد: ۱- کمتر از ۱۰۰۰ رزمنده. ۲- حمله نظامی پراکنده که کمتر از ۶ بار در سال رخ داده باشد. ۳- حمله در قسمت کوچکی از منطقه‌ای که توسط گروهی اشغال شده است و یا حمله در یک یا دو منطقه دیگر |
| ۵ | فعالیت چریکی در حد متوسط | داشتن یک یا دو شرط از "فعالیت چریکی در مقیاس بزرگ" به همراه یک یا دو شرط از "فعالیت چریکی در مقیاس کوچک" |
| ۶ | فعالیت چریکی در مقیاس بزرگ | تمام شرایط زیر موجود باشد: ۱- بیش از ۱۰۰۰ رزمنده. ۲- حملات نظامی مکرر که بیش از شش بار در سال رخ داده باشد. ۳- حملات تاثیر گذار در قسمت بزرگی از منطقه اشغال شده توسط گروه |
| ۷ | جنگ‌های داخلی متعدد | جنگ‌های پی در پی داخلی توسط واحد‌های شورشی |

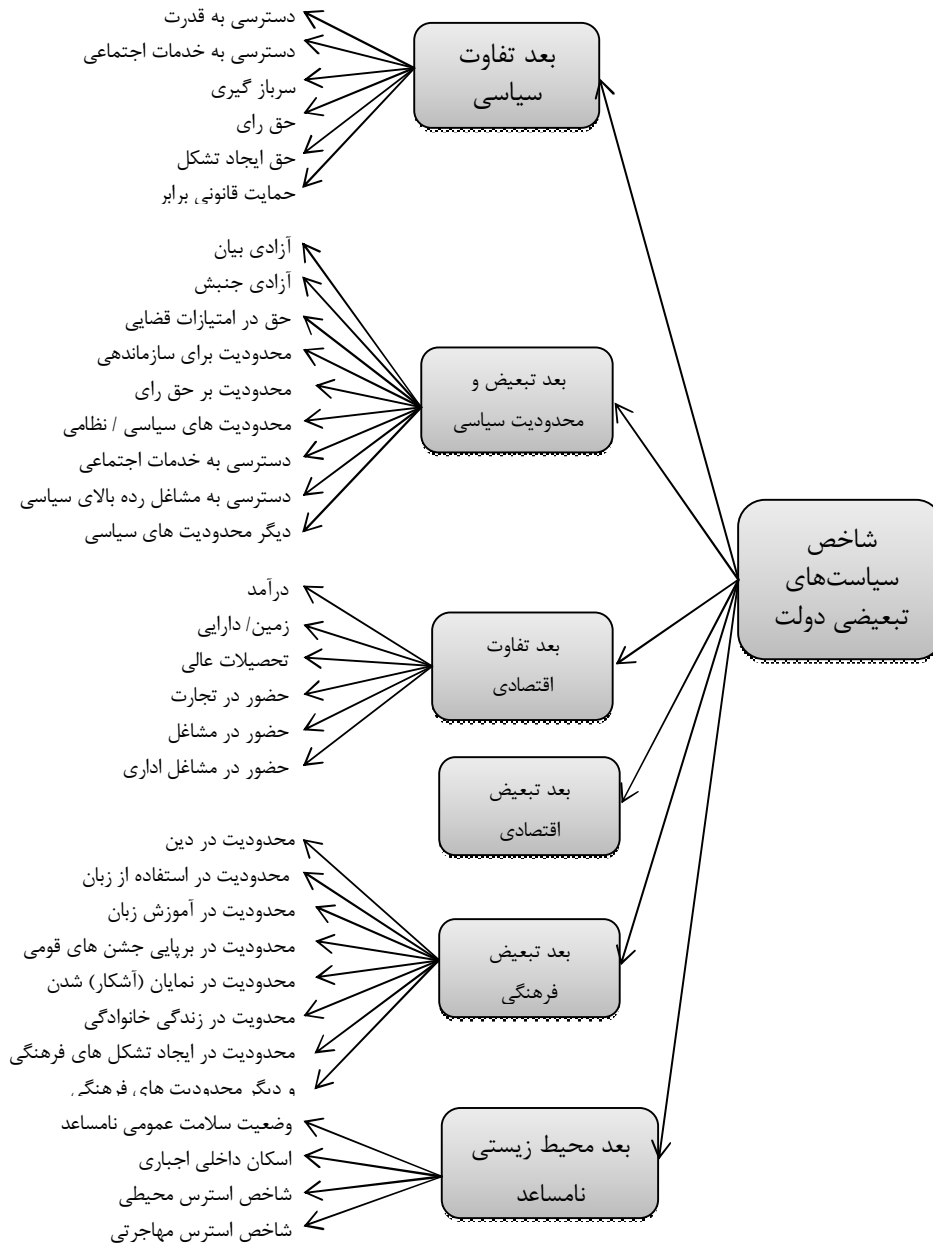
همانطور که ملاحظه می‌گردد، اعتراض در بازه [۵ و ۰] و شورش در بازه [۷ و ۰] تغییر می‌کند. بنابراین نمره بالاتر در مورد این دو شاخص نشان‌دهنده میزان بالای اعتراض و شورش خواهد بود.

- سیاست‌های تبعیضی

همانطور که مطرح شد، سیاست‌های تبعیضی از چهار بعد تشکیل شده است، لازم به ذکر است بعد سیاسی و اقتصادی خود به دو بعد "تفاوت" و "تبعیض" تفکیک شده‌اند. هر یک از ابعاد از معرف‌هایی منتج شده است که در نمودار ۲ قابل مشاهده است. لازم به ذکر

است شدت هر یک از معرف‌های سیاست‌های تبعیضی نیز به صورت نمرات یک مقیاس مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین شاخص سیاست‌های تبعیضی دولت بر اساس ابعاد فوق بر اساس میانگین هر یک از ابعاد در گام‌های زمانی ۵ ساله محاسبه شده است. در نتیجه با توجه به شاخص ایجاد شده، هر چقدر مقدار شاخص بالاتر باشد به این معنی است که سیاست‌ها در قبال قومیت‌ها در آن بعد، تبعیض‌آمیزتر است. لازم به ذکر است تفاوت‌های سیاسی و اقتصادی، به ترتیب معادل نابرابری سیاسی و نابرابری اقتصادی است، ولی لزوماً از تبعیض تعمدی ناشی نمی‌شود (MAR code ebook:26). به عبارت دیگر این تفاوت‌ها یا نابرابری‌ها ممکن است از گذشته بوده و صبغه تاریخی داشته باشد و لذا از سیاست‌های حکومت فعلی^۱ منتج نشده است. به عنوان مثال یکی از معرف‌های تفاوت اقتصادی تفاوت در "زمین و دارایی‌ها" است؛ این نوع تفاوت ممکن است به هر دلیلی در گذشته ایجاد شده باشد و به علت انتقال از نسلی به نسل دیگر همچنان باقی مانده باشد. حال دلیل ایجاد این تفاوت در گذشته می‌تواند تبعیض حکومت‌های سابق باشد یا عوامل جغرافیایی و منطقه‌ای، ارتباطی، نوع حرفه و غیره که منجر به ایجاد این تفاوت‌ها شده است. بعد تبعیض سیاسی و تبعیض اقتصادی نیز بر اساس نقش سیاست‌ها در حفظ یا از بین بردن نابرابری سیاسی و نابرابری اقتصادی محاسبه شده است (MAR code ebook:33). مانند سیاست‌های جبرانی، سیاست‌های بی‌طرفانه یا سیاست‌های سرکوب‌گرانه. تبعیض فرهنگی نیز مربوط به آن جنبه از علائق فرهنگی گروه است که محدودیت‌هایی تعمدی از سوی سیاست‌های عمومی بر آن‌ها اعمال می‌شود (MAR Code Ebook:37). و در نهایت بعد محیط زیستی نامساعد به منظور بررسی ویژگی‌های جمعیتی و زیستی است که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران تاثیر بسزائی در رفاه اعضای گروه دارد. با توجه به مطالب ذکر شده، واضح است که با افزایش نمرات هر یک از ابعاد، میزان هر یک از ابعاد و نیز میزان شاخص سیاست‌های تبعیضی افزایش می‌یابد.

^۱. The Current Government



نمودار ۲: ابعاد شاخص سیاست های تبعیضی دولت

- هویت و انسجام گروهی

تیلی هویت گروهی را اینگونه تعریف می‌کند: اندازه و شدت این نکته که تا چه حد اعضای گروه خود را جدای از دیگران می‌بینند (mar code ebook). در مجموعه داده MAR هویت گروهی توسط دو شاخص «شدت هویت گروهی» و «شدت هویت فرهنگی» به طور مستقیم مورد سنجش قرار گرفته است. از طرفی با توجه به این که یکی از مهمترین معرف های تقویت هویت گروهی تفاوت فرهنگی گروه با سایر گروه‌ها است (گور ۱۹۹۳) در تحقیق حاضر از آن بهره گرفته شده است. منظور از تفاوت فرهنگی، تفاوت در دین، زبان، منشأ تاریخی، رسوم و مراسم اجتماعی و محل زندگی است.

- اندازه گروه

این متغیر شرایطی عینی است که مربوط به جمعیت گروه‌های قومی می‌باشد. برای سنجش متغیر اندازه گروه از جمعیت مطلق و نسبی گروه نسبت به کل جمعیت کشور استفاده شده است.

- تمرکز منطقه‌ای

این متغیر نیز مانند اندازه گروه شرایطی عینی است و به این نکته توجه دارد که تا چه حد گروه‌های قومی در یک منطقه جغرافیایی متمرکز و در آن منطقه سکونت دارند، که به صورت شاخص "توزیع فضایی گروه" سنجیده شده است. کدگذاری این شاخص به صورت زیر است: (۰= به صورت گسترده پراکنده؛ ۱= تعداد کمی در یک منطقه (اکثریت پراکنده)؛ ۲= اکثریت در یک منطقه و دیگران پراکنده؛ ۳= متمرکز در یک منطقه).

- بسیج گروهی

بسیج گروهی به سازماندهی همگانی گروهی و مشارکت در اقدام مشترک به منظور پیگیری علایق گروهی اطلاق می‌گردد (گور، ۱۹۹۳: ۱۶۹). در این مطالعه به دو بعد از بسیج یا به عبارت دیگر سازماندهی گروهی به صورت مجزا توجه شده است. بعد اول به "سازماندهی گروه برای عمل سیاسی" مربوط می‌شود و بعد دوم به "سازماندهی گروهی برای نیل به علایق و خواسته های گروهی" تأکید دارد.

- نوع حکومت^۱

در این تحقیق به منظور بررسی اثر نوع حکومت بر تضاد قومی، از مجموعه داده polity iv استفاده شده است. در این مجموعه داده دو مقیاس وجود دارد. مقیاسی برای حکومت‌های دموکراتیک و مقیاسی برای حکومت‌های استبدادی. شاخص نوع حکومت منتج از تلفیق این دو شاخص است. بدین صورت که شاخص نوع حکومت سیاسی از تفریق مقیاس حکومت استبدادی از مقیاس دموکراسی حاصل شده است که این مقیاس بازه ۱۰ (قویاً دموکراتیک) تا ۱۰- (قویاً استبدادی) را شامل می‌شود (مارشال و جاگرز، ۲۰۰۹: ۱۶). به عنوان مثال اگر کشوری با توجه به این مقیاس‌ها کاملاً دموکراتیک باشد، در مقیاس دموکراتیک نمره ۱۰ را خواهد داشت و در مقیاس استبدادی نمره صفر. بنابراین $10 - 0 = 10$ (حکومت استبدادی - دموکراسی)، نمره مقیاس نوع رژیم سیاسی خواهد بود. لازم به ذکر است که به کشورهای که در دوره حکومت موقتی هستند و یا دچار آناارشی شده‌اند، نمره بی‌طرف صفر داده شده است.

- اندازه دولت^۲

در مطالعه پیش رو شاخص اندازه دولت از طریق معرف‌های «آزادی اقتصادی»^۳ بدست آمده است. در این مجموعه داده شاخص اندازه دولت بر اساس معرف‌های اقتصادی سنجیده شده‌اند. بنابراین منظور از اندازه دولت، اندازه اقتصادی دولت می‌باشد. بازه تغییرات این شاخص از صفر تا ۱۰ می‌باشد؛ بنابراین هر چه مقدار شاخص بالاتر باشد، دولت نیز در بعد اقتصادی بزرگتر خواهد بود. به عبارت دیگر میزان دست داشتن دولت در اقتصاد بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال اکوادور با نمره شاخص ۱/۲۰ دارای دولت کوچک و لائویا و جمهوری کنگو با میانگین نمره شاخص ۱۰ دولت بزرگی را دارا می‌باشند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه روش تطبیقی-کمی می‌باشد. این روش امکان شناخت «ترتبات تجربی» بین موارد را فراهم می‌نماید. واحد تحلیل، کشور-زمان بوده و از داده‌های

1 . Regime Type

2 . State Size

3 . Economic freedom

ثانویه استفاده شده است. این سه منبع داده عمده عبارتند از: مجموعه داده‌های Economic Freedom و Polity IV، (Minorities at Risk) MAR. لازم به ذکر است تحقیق حاضر به مطالعه بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ پرداخته است، که این ۱۰ سال به دو گام زمانی ۵ ساله (۱۹۹۹-۱۹۹۵، ۲۰۰۴-۲۰۰۰) تقسیم گردیده است. علاوه بر آن سعی گردیده در مواردی علاوه بر ۲ گام مورد نظر، کل دوره ۱۰ ساله نیز مورد تحلیل قرار گیرد تا هم مقایسه‌ای با گام‌های زمانی صورت گرفته باشد و هم مطالعه‌ای مقطعی به موازات مطالعه طولی انجام شده باشد. لازم به ذکر است برای هر دوره زمانی، میانگین متغیر در دوره زمانی ۵ ساله مربوط مورد تحلیل قرار گرفته است.

نمونه آماری و روش نمونه گیری

با توجه به این که رویکرد تحقیق حاضر بر مبنای تحلیل ثانویه می باشد بنابراین نمونه مورد نظر تمام کشورهایی است که در آن‌ها اقلیت‌ها قومی - سیاسی وجود دارد؛ منظور از اقلیت‌های قومی - سیاسی اقلیت‌هایی است که:

- ۱- به صورت جمعی از رفتار تبعیض آمیز سیستماتیک در برابر دیگر گروه‌های جامعه، سود یا زیان ببرند و یا:
- ۲- به صورت جمعی برای دفاع و یا بهبود خواسته‌هایی که خود تعریف می کنند، بسیج گردند (5: ebook code MAR).

در تحقیق حاضر علاوه بر نمونه گیری که در رابطه با موردها^۱ انجام شده است، نمونه گیری هدفمند در بعد زمان نیز صورت گرفته است. بدین صورت که دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۵ در دو گام زمانی ۵ ساله مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است با توجه به این که در دوره های مختلف ارزش های مفقوده^۲ وجود دارد، حجم نمونه متفاوت بوده و N ثابتی برای این تحقیق نمی توان متصور شد. لذا در هر قسمت که تحلیل صورت گرفته است، حجم نمونه ای که مورد تحلیل قرار گرفته، ذکر شده است.

^۱ . Cases
^۲ . Missing

یافته‌ها و نتایج تحقیق

در این بخش ابتدا به توصیف متغیرهای سطح کلان، متغیرهای وابسته و مستقل بر اساس مناطق تفکیک شده می‌پردازیم. کشورهای مورد تحلیل در ۶ منطقه^۱ جای گرفته‌اند. کشورهای دموکراتیک پیشرفته صنعتی، اروپای شرقی، آسیا، شمال آفریقا و خاورمیانه، کشورهای صحرای آفریقا، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب. لازم به ذکر است در این قسمت فقط میانگین مورد توجه قرار گرفته است و نیز آمار توصیفی متغیر وابسته و متغیر مستقل اصلی تحقیق (سیاست‌های تبعیضی) ارائه خواهد شد.

متغیر وابسته

اعتراض

همان طور که در جدول (۳) مشاهده می‌گردد، میزان اعتراضات در هر دو دوره زمانی بر اساس بیشترین مقدار میانگین، به ترتیب زیر می‌باشد: شمال آفریقا و خاورمیانه، دموکراتیک پیشرفته صنعتی، آسیا، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، اروپای شرقی و کشورهای استقلال یافته شوروی سابق و در نهایت کشورهای صحرای آفریقا. این ترتیب تقریباً در هر دو گام زمانی به چشم می‌خورد. نکته قابل توجه روند کاهشی اعتراضات در تمام مناطق و رفتار معکوس این روند، در کشورهای منطقه آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب می‌باشد.

شورش

با توجه به جدول (۳) مشاهده می‌شود که میزان شورش در کشورهای صحرای آفریقا به مراتب بالاتر از دیگر مناطق است و کشورهای آسیا، شمال آفریقا، خاور میانه، آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، دموکراتیک پیشرفته صنعتی و در نهایت اروپای شرقی و کشورهای استقلال یافته شوروی سابق قرار دارند. روند تغییرات میانگین شورش نیز همانند روند تغییرات میانگین اعتراض، روندی کاهشی است ولی مشاهده می‌شود این روند بسیار شدیدتر از روند کاهشی اعتراض است.

^۱ این تقسیم بندی ژئوپلیتیک برگرفته از مجموعه داده Minorities at Risk بوده و منظور از کشورهای دموکراتیک پیشرفته صنعتی، کشورهای اروپای غربی، ایالات متحده، کانادا، استرالیا، نیوزیلند و ژاپن می‌باشد.

جدول ۳. میانگین اعتراض و شورش قومی بر حسب مناطق و دوره زمانی براساس شاخص ۱۰۰-۰

| میانگین شورش ۲۰۰۴-۲۰۰۰ | میانگین اعتراض ۲۰۰۴-۲۰۰۰ | میانگین شورش ۹۵-۹۹ | میانگین اعتراض ۹۵-۹۹ | متغیر |
|------------------------------|--------------------------------|--------------------------|----------------------------|--|
| | | | | منطقه |
| ۲/۲۲ | ۳۱/۹۹ | ۲/۸۷ | ۳۸/۹۵ | دموکراتیک پیشرفته صنعتی |
| ۰/۳۲ | ۲۳/۵۷ | ۱۴/۶۸ | ۲۷/۵۹ | اروپای شرقی و کشورهای استقلال یافته شوروی سابق |
| ۱۴/۶۳ | ۲۶/۹۰ | ۲۷/۹۱ | ۳۵/۰۶ | آسیا |
| ۱۲/۶۳ | ۴۳/۸۰ | ۱۱/۱۵ | ۴۲/۰۲ | شمال آفریقا و خاورمیانه |
| ۸/۶۲ | ۱۲/۰۳ | ۳۰/۴۴ | ۲۴/۴۲ | کشورهای صحرای آفریقا |
| ۲/۱۵ | ۴۵/۴۰ | ۳/۵۰ | ۲۹/۳۳ | آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب |
| ۷/۰۲ | ۲۷/۶۵ | ۱۷/۸۴ | ۳۱/۰۹ | کل |

متغیر مستقل (سیاست‌های تبعیضی دولت)

همانطور که جدول (۴) نشان می‌دهد بیشترین میانگین سیاست‌های تبعیضی در منطقه آمریکای لاتین می‌باشد و مناطق شمال آفریقا، آسیا، کشورهای دموکراتیک، اروپای شرقی و کشورهای صحرای آفریقا در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. در مقایسه دو گام زمانی ملاحظه می‌شود که روند متوسط سیاست‌های تبعیضی از گام اول به دوم روندی افزایشی داشته است. یعنی میانگین سیاست‌های تبعیضی در گام دوم در تمام مناطق بیش از همین مقدار در گام اول است.

جدول ۴. میانگین سیاست‌های تبعیضی بر حسب منطقه و دوره زمانی براساس شاخص ۱۰۰-۰

| میانگین سیاست‌های تبعیضی ۲۰۰۰-۲۰۰۴ | میانگین سیاست‌های تبعیضی ۹۵-۹۹ | متغیر |
|--|--------------------------------------|--|
| | | منطقه |
| ۲۷/۲۴ | ۲۷/۱۹ | دموکراتیک پیشرفته صنعتی |
| ۲۴/۳۱ | ۲۳/۵۱ | اروپای شرقی و کشورهای استقلال یافته شوروی سابق |
| ۳۷/۱۹ | ۳۲/۶۳ | آسیا |
| ۴۰/۲۲ | ۳۳/۶۷ | شمال آفریقا و خاورمیانه |
| ۲۵/۰۱ | ۱۹/۵۸ | کشورهای صحرای آفریقا |
| ۴۵/۳۵ | ۴۳/۸۷ | آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب |
| ۳۲/۰۳ | ۲۸/۸۸ | کل |

تحلیل همبستگی سیاست‌های تبعیضی با شورش

در این قسمت به روابط همبستگی بین ابعاد سیاست‌های تبعیضی با اعتراض و شورش توجه شده است. هدف از بررسی روابط دومتغیری، بررسی جداگانه روابط این ابعاد با اعتراض و شورش، به منظور مقایسه این ابعاد با یکدیگر می‌باشد.

تضاد قومی و سیاست‌های تبعیضی

۱- اعتراض و شورش - ابعاد و شاخص سیاست‌های تبعیضی

نظریه‌های مختلف و به خصوص نظریه‌های مربوط به نابرابری به مسأله تبعیض بسیار پرداخته‌اند، ولی اکثر تحقیقات صورت گرفته یا همه ابعاد تبعیض را در یک شاخص خلاصه و به بررسی آن پرداخته‌اند و یا اینکه بر عکس بر یک یا دو بعد تاکید کرده‌اند. در اینجا به منظور مقایسه ابعاد شاخص سیاست‌های تبعیضی و بررسی تأثیر جداگانه هر بعد، با تفکیک ابعاد به تحلیل روابط می‌پردازیم.

در دوره ۹۹-۹۵ بعد تفاوت اقتصادی دارای رابطه مثبت و معنادار با اعتراض می‌باشد. در دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۰ ابعاد تفاوت و تبعیض اقتصادی، تبعیض فرهنگی و بعد محیط زیستی نامساعد دارای روابط معنادار با اعتراض هستند. اما این روابط را چگونه می‌توان توضیح داد؟

همانطور که ذکر گردید اکثر تئوری‌ها (به خصوص تئوری‌هایی که در قالب تئوری نارضایتی مطرح می‌گردند) نابرابری و در واقع تبعیض را محرک اصلی تضاد قومی در نظر می‌گیرند (اشتینبرگ ۲۰۰۸، بانگورا ۲۰۰۶، گروسمن ۱۹۹۹، گور و مور ۱۹۹۷، والتر ۲۰۰۶، بوهاگ ۲۰۰۸). اما برخی از صاحب‌نظران بر ابعاد خاصی تأکید دارند. از آن جمله والتر (۲۰۰۶) و اشتینبرگ (۲۰۰۸) هستند که بر بعد اقتصادی تاکید داشته و آن را زمینه ساز تضاد قومی می‌دانند. به عنوان مثال اشتینبرگ (۲۰۰۸) با مطرح کردن ابعاد امنیت، امنیت اقتصادی را مهمتر از ابعاد سیاسی و فیزیکی دانسته و معتقد است، با ایجاد امنیت اقتصادی مابقی ابعاد امنیت به سادگی قابل حصول می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت با توجه به روابط معنادار بعد اقتصادی (تفاوت اقتصادی) و اعتراض (I=۰/۳۰) در دوره اول، می‌توان این‌گونه ادعا کرد که نظریه والتر و اشتینبرگ به درستی تضاد قومی و یا لاقبل اعتراض را تبیین کرده است و بعد اقتصادی مهمترین بعد در این دوره زمانی ۵ ساله محسوب

می‌گردد. با ورود به دوره دوم برای اعتراض مشاهده می‌شود که علاوه بر معناداری بعد اقتصادی (تفاوت اقتصادی $(I=0/30)$ و تبعیض اقتصادی $(I=0/21)$) بعد فرهنگی $(I=0/20)$ و محیط زیستی نامساعد $(I=0/27)$ نیز رابطه معناداری را با اعتراض دارند. اما برای شورش تنها بعدی که در تمام دوره‌های زمانی، رابطه معناداری با شورش دارد، بعد محیط زیستی نامساعد (برای هر ۲ دوره $I=0/28$) می‌باشد. گویه‌های بعد محیط زیستی نامساعد، شامل وضعیت سلامت عمومی نامتناسب، اسکان داخلی اجباری، شرایط نامساعد محیطی، مهاجرت به دلایل سیاسی و اقتصادی و تأثیر گروه‌های خویشاوندی می‌باشد. بعد محیط زیستی نامساعد بعدی است که به صورت عینی قابل لمس بوده و افراد در واقع به صورت روزانه آن را لمس کرده و با آن سر و کار دارند. بوهاگ (۲۰۰۶) معتقد است که استاندارد‌های بالای زندگی و نرخ پایین بیکاری، پیوستن به گروه‌های شورشی را کاهش می‌دهد. با توجه به این مسأله مشاهده می‌شود که با کاهش استانداردهای زندگی که در بعد محیط زیستی نامساعد تجمیع شده‌اند، میزان شورش افزایش می‌یابد. بنابراین نظریه ویمر (۲۰۰۹) مبنی بر اینکه محرومیت از قدرت دولتی (تبعیض سیاسی) منجر به شورش می‌گردد، تأیید نشده و نظریه بوهاگ (۲۰۰۶) قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد.

اما سؤالی که اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا می‌توان این نتایج را به تمام کشورها تعمیم داد یا خیر؟ به عنوان مثال اگر شورشی در یک کشور توسعه یافته رخ داد، می‌توان ادعا کرد که محتملترین دلیل شرایط نامساعد محیط زیستی، وضعیت سلامت عمومی نامساعد است؟ به منظور بررسی این موضوع، میانگین ابعاد سیاست‌های تبعیضی مناطق ۶ گانه در کل دوره ده ساله، به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفتند تا صحت این روابط با توجه به مناطق سنجیده شود. همانطور که جدول (۵) نشان می‌دهد، در کشورهای دموکراتیک پیشرفته صنعتی، تنها بعدی که با اعتراض و شورش رابطه معنادار دارد، بعد تفاوت اقتصادی است. لازم به ذکر است تفاوت اقتصادی برگرفته از سیاست‌های تعمدی دولت نیست بلکه تفاوت‌هایی است که به نحوی ایجاد شده و بیشتر صبغه تاریخی دارد و دولت نقش مستقیمی در ایجاد آن ندارد. نکته جالب توجه، رابطه منفی بعد تفاوت اقتصادی با شورش در کشورهای دموکراتیک پیشرفته صنعتی است. بنابراین می‌توان گفت با افزایش تفاوت‌های اقتصادی در کشورهای دموکراتیک پیشرفته صنعتی، میزان اعتراض

افزایش یافته ولی میزان شورش کم می شود؛ و همانطور که در ادامه خواهید دید، این نتیجه با نتیجه رابطه بین نوع حکومت با اعتراض و شورش همخوانی دارد، چراکه با فرایند توسعه سیاسی حکومت، میزان اعتراضات افزایش و میزان شورش ها کاهش می یابد.

در منطقه اروپای شرقی و کشورهای استقلال یافته شوروی سابق با افزایش تبعیض اقتصادی، میزان اعتراض افزایش می یابد. در منطقه آسیا هیچ یک از ابعاد سیاست های تبعیضی با اعتراض رابطه معناداری نشان ندادند، چراکه واریانس اعتراض در این منطقه پایین (۰/۷) است. اما با افزایش تبعیض اقتصادی و بعد محیط زیستی نامساعد در این منطقه شورش افزایش می یابد. همانطور که جدول نشان می دهد ضریب همبستگی بعد محیط زیستی نامساعد بسیار قوی تر از بعد تبعیض اقتصادی است.

دو بعدی که در آسیا منجر به بروز شورش می شود، در شمال آفریقا منجر به اعتراض می گردد. با این تفاوت که در اینجا رابطه تبعیض اقتصادی، کمی قوی تر از بعد محیط زیستی نامساعد است. در این منطقه تفاوت اقتصادی و بعد محیط زیستی نامساعد رابطه معنادار با شورش دارند. رابطه بسیار قوی بعد محیط زیستی نامساعد، در این منطقه کاملاً مشهود است. در جنوب صحرای آفریقا نیز به دلیل واریانس پایین اعتراض (۰/۶) هیچ یک از ابعاد سیاست های تبعیضی رابطه معناداری با اعتراض از خود نشان ندادند. ولی به نوعی تمام ابعاد در این منطقه در بروز شورش دخیلند. تبعیض اقتصادی، تبعیض فرهنگی، تبعیض سیاسی و بعد محیط زیستی نامساعد از آن جمله اند. در اینجا نیز قوی ترین همبستگی را بعد محیط زیستی نامساعد دارا می باشد.

در منطقه آمریکای لاتین تفاوت سیاسی، تفاوت اقتصادی، تبعیض فرهنگی و بعد محیط زیستی نامساعد رابطه معنادار با اعتراض از خود نشان داده و ابعاد تبعیض فرهنگی و بعد محیط زیستی نامساعد رابطه معنادار با شورش را نشان داده است. همانطور که در این منطقه ملاحظه می گردد، بعد تبعیض فرهنگی بسیار برجسته شده است، به طوری که نه تنها با اعتراض و شورش هر دو رابطه دارد بلکه در شورش که در دیگر مناطق بعد محیط زیستی نامساعد قویترین رابطه را نشان می داد در اینجا تبعیض فرهنگی است که رابطه حتی قویتر از بعد محیط زیستی نامساعد از خود نشان می دهد.

جدول ۵. روابط همبستگی معنادار میان ابعاد سیاست‌های تبعیضی و اعتراض و شورش به تفکیک منطقه

| | آمریکای لاتین | جنوب صحرای آفریقا | شمال آفریقا | آسیا | اروپای شرقی | دموکراتیک صنعتی پیشرفته |
|--------|-----------------------------------|------------------------------------|--------------------------------------|---------------------------------------|--------------------------|---------------------------|
| اعتراض | تفاوت سیاسی (۰/۲۹*) | - | تبعیض اقتصادی (۰/۴۵**) | - | تبعیض اقتصادی (۰/۲۶*) | تفاوت اقتصادی (۰/۵۲**) |
| | تفاوت اقتصادی (۰/۴۱**) | | بعد محیط زیستی نامساعد (۰/۴۱*) | | | |
| | تبعیض فرهنگی (۰/۳۲*) | | | | | |
| | بعد محیط زیستی نامساعد (۰/۴۵*) | | | | | |
| شورش | تبعیض فرهنگی (۰/۳۵**) | تبعیض سیاسی (۰/۳۰**) | تفاوت اقتصادی (۰/۴۴**) | تبعیض اقتصادی (۰/۲۷*) | تبعیض فرهنگی (-۰/۲۸*) | تفاوت اقتصادی (-۰/۴۴*) |
| | بعد محیط زیستی نامساعد (۰/۳۳*) | تبعیض اقتصادی (۰/۲۲*) | بعد محیط زیستی نامساعد (۰/۲۴*) | بعد محیط زیستی نامساعد (۰/۴۷**) | | |
| | | تبعیض فرهنگی (۰/۲۴*) | تفاوت اقتصادی (۰/۲۷**) | | | |
| | | بعد محیط زیستی نامساعد (۰/۳۷**) | | | | |

* سطح معناداری ۰/۰۵ و ** سطح معناداری ۰/۰۱

در نهایت آنچه از جدول (۵) می‌توان نتیجه گرفت تفاوتی است که در مناطق مختلف وجود دارد و این مسأله به ما نشان می‌دهد که چقدر در نتیجه‌گیری‌ها، تحلیل‌ها و به-خصوص تعمیم‌ها باید محتاطانه برخورد کنیم. اما نتیجه قابل حصول دیگر از این جدول نقاط اشتراک و روابط پایدار بین مناطق است. همانطور که ملاحظه می‌گردد برای اعتراض و شورش بعد اقتصادی (شامل تفاوت و تبعیض) از مهمترین عوامل هستند. برای شورش نیز بعد محیط زیستی نامساعد اهمیت بسزایی داشته و حتی از بعد اقتصادی نیز روابط قوی‌تری با شورش دارد.

تحلیل رگرسیون چندگانه

به منظور مشخص کردن متغیرهایی که صلاحیت حضور در مدل را دارند و نیز اولویت ورود آنها به مدل، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

جدول (۶) رگرسیون اعتراض را برای دوره‌های زمانی مختلف و نیز کل دوره نشان

می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود در دوره ۹۵-۹۹ ابتدا بسیج گروهی و سپس نوع حکومت وارد مدل شده و سیاست‌های تبعیضی از مدل کنار گذاشته شده است؛ برعکس در دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۰ ابتدا سیاست‌های تبعیضی وارد مدل شده و سپس نوع حکومت و شاخص بسیج گروهی از معادله کنار گذاشته شده است. در کل دوره ۱۰ ساله هر ۳ شاخص در مدل نگهداشته شده و به ترتیب شاخص بسیج گروهی، نوع حکومت و سیاست‌های تبعیضی وارد مدل شده‌اند. میزان تبیین (R^2) هر دوره نیز در جدول قابل مشاهده است.

جدول ۶. ضرایب رگرسیون استاندارد اعتراض

| کل دوره | | ۲۰۰۰-۰۴ | | ۹۵-۹۹ | |
|---------|------------------|---------|------------------|--------|------------------|
| ۰/۲۲** | بسیج گروهی | ۰/۳۳** | سیاست‌های تبعیضی | ۰/۳۹** | بسیج گروهی |
| ۰/۲۹** | نوع حکومت | ۰/۳۰** | نوع حکومت | ۰/۳۳** | نوع حکومت |
| ۰/۲۲** | سیاست‌های تبعیضی | - | بسیج گروهی | - | سیاست‌های تبعیضی |
| ۰/۲۰ | R^2 | ۰/۱۷ | R^2 | ۰/۲۵ | R^2 |
| ۲۱۷ | N | ۱۰۹ | N | ۱۰۷ | N |

** سطح معناداری ۰/۰۱

نکته قابل توجه در جدول فوق، مقادیر تقریباً یکسان β یا همان سهم نسبی شاخص‌ها در تبیین اعتراض در هر دوره زمانی می‌باشد. به طور خلاصه می‌توان گفت با افزایش احتمال شکل‌گیری بسیج گروهی، دموکراتیک‌تر شدن کشورها و تبعیض‌آمیزتر شدن سیاست‌ها در قبال قومیت‌ها، میزان اعتراض نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۷) رگرسیون شورش را برای دوره‌های زمانی مختلف و نیز کل دوره به روش گام به گام نشان می‌دهد.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون استاندارد شورش

| کل دوره | | ۲۰۰۰-۰۴ | | ۹۵-۹۹ | |
|---------|------------------|---------|------------------|---------|------------------|
| ۰/۳۰** | بسیج گروهی | ۰/۲۴** | سیاست‌های تبعیضی | ۰/۴۰** | بسیج گروهی |
| -۰/۲۱** | نوع حکومت | ۰/۲۳** | بسیج گروهی | -۰/۳۰** | نوع حکومت |
| ۰/۱۶** | سیاست‌های تبعیضی | - | نوع حکومت | - | سیاست‌های تبعیضی |
| ۰/۱۸ | R^2 | ۰/۱۳ | R^2 | ۰/۲۵ | R^2 |
| ۲۱۶ | N | ۱۰۸ | N | ۱۰۷ | N |

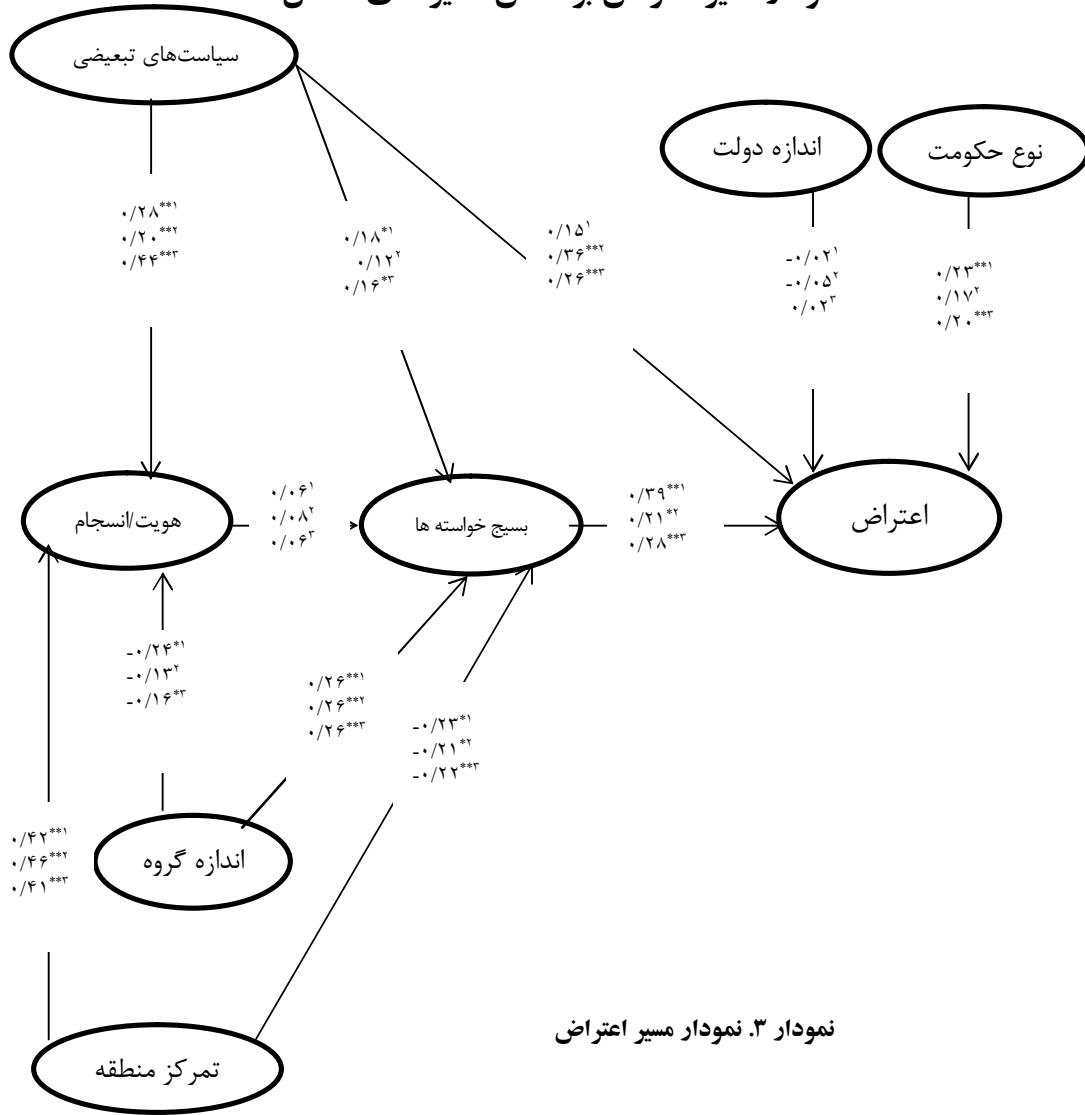
** سطح معناداری ۰/۰۱

همانطور که ملاحظه می‌شود در دوره ۹۹-۹۵، همانند آنچه برای اعتراض مشاهده کردیم، ابتدا بسیج گروهی و سپس نوع حکومت وارد مدل شده و سیاست‌های تبعیضی از مدل کنار گذاشته شده است؛ در دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۰، این سیاست‌های تبعیضی است که ابتدا وارد مدل شده است؛ سپس بسیج گروهی وارد مدل شده و شاخص نوع حکومت از معادله کنار گذاشته شده است. در کل دوره ۱۰ ساله هر ۳ شاخص در مدل نگهداشته شده و به ترتیب شاخص بسیج گروهی، نوع حکومت و سیاست‌های تبعیضی، همانند آنچه برای اعتراض مشاهده کردیم، وارد مدل شده‌اند. میزان تبیین (R^2) هر دوره نیز در جدول قابل مشاهده است. بر اساس جدول فوق می‌توان اظهار کرد که سهم نسبی شاخص‌ها، بر خلاف آنچه برای اعتراض مشاهده شد، کاملاً متفاوتند؛ به طوری که در دوره اول و نیز کل دوره، سهم بسیج گروهی در تبیین شورش نسبت به دو متغیر دیگر بیشتر می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت هر چه شکل‌گیری بسیج گروهی افزایش یابد و سیاست‌ها تبعیض آمیزتر گردد، میزان شورش افزایش یافته و هر چه حکومت‌ها دموکراتیک‌تر شوند، میزان شورش کاهش می‌یابد.

تحلیل مسیر

در این قسمت تمامی متغیرهای مورد بررسی در دو نمودار مسیر مجزا برای اعتراض و شورش، وارد مدل می‌شوند تا میزان کل تبیین را بدست دهند. در نمودار مسیر سه نوع ضریب مسیر به ترتیب قابل مشاهده است. ضرایب مسیر دوره ۹۹-۹۵ (گام اول)، ۲۰۰۴-۲۰۰۰ (گام دوم) و ۲۰۰۴-۹۵ (کل دوره). به علت امکان مقایسه بهتر، ضرایب مسیر هر یک از گام‌ها به صورت همزمان در نمودار آمده است؛ برای تشخیص اینکه هر یک از ضرایب مربوط به کدام گام می‌باشد نیز در بالای سمت راست هر یک از ضرایب اعداد ۱، ۲ و ۳ که به ترتیب عدد ۱ نشان‌دهنده گام اول، ۲ نمایانگر گام دوم و ۳ نشان‌دهنده کل دوره می‌باشد، مشخص گردیده است. علاوه بر آن معناداری هر یک از ضرایب (* سطح ۹۵ درصد و ** سطح ۹۹ درصد را نشان می‌دهد) نیز در نمودارها نشان داده شده است. به منظور تبیین بهتر، در نمودار مسیر، برای هر بعد متغیر وابسته (اعتراض و شورش) دو بعد بسیج گروهی به صورت جداگانه وارد معادله گردیده است. یعنی برای نمودار مسیر اعتراض از بعد "بسیج برای خواسته‌های گروهی" و برای نمودار شورش از بعد "بسیج برای فعالیت سیاسی" استفاده گردیده است. واریانس تبیین شده اعتراض و شورش که کل مدل (مدل عام) آن را تبیین می‌کند در جداول (۸) و (۹) آمده است. لازم به ذکر است توضیح اجزای هر دو مدل در بخش نتیجه‌گیری آورده شده است.

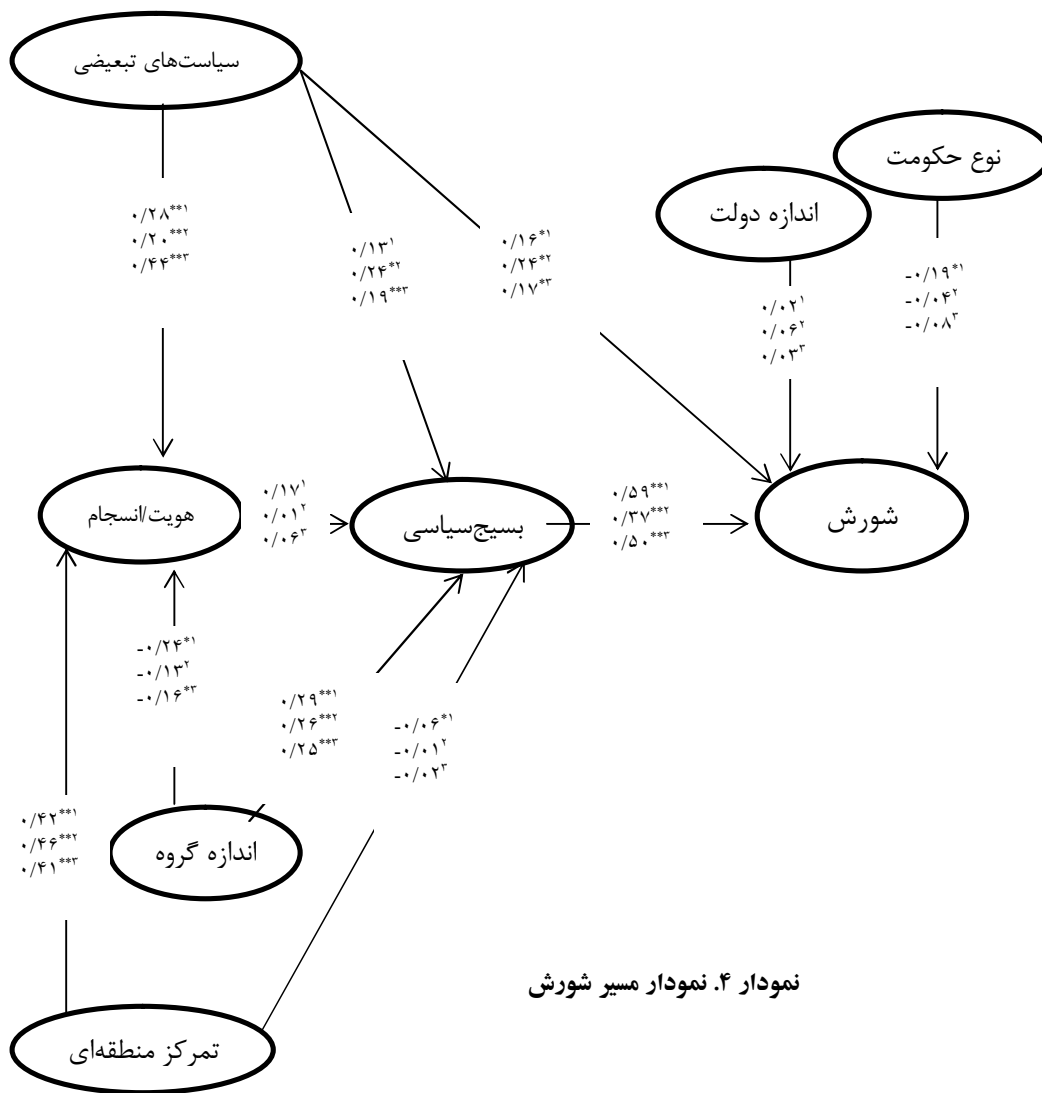
نمودار مسیر اعتراض بر اساس متغیرهای مستقل



جدول ۸. میزان تبیین اعتراض در مدل

| کل دوره (۹۵-۲۰۰۴) | گام دوم | گام اول | میزان تبیین مدل (R^2) |
|-------------------|---------|---------|---------------------------|
| ۰/۳۱ | ۰/۳۷ | ۰/۳۹ | |

نمودار مسیر شورش بر اساس متغیرهای مستقل



نمودار ۴. نمودار مسیر شورش

جدول ۸. میزان تبیین اعتراض در مدل

| کل دوره (۲۰۰۴-۹۵) | گام دوم | گام اول | میزان تبیین مدل (R^2) |
|-------------------|---------|---------|---------------------------|
| ۰/۴۲ | ۰/۳۵ | ۰/۵۴ | |

با بررسی نمودار مسیر اعتراض و شورش ملاحظه می‌شود که سیاست‌های تبعیضی با ۳ مکانیسم بر اعتراض و شورش تاثیرگذار است: ۱- به صورت مستقیم، ۲- از طریق بسیج گروهی، ۳- از طریق هویت گروهی و سپس بسیج گروهی. به طوری که مجموع اثر مستقیم و غیر مستقیم شاخص سیاست‌های تبعیضی در نهایت از ۰/۲۲ تا ۰/۳۸ برای اعتراض و از ۰/۲۶ تا ۰/۳۳ برای شورش قابل تغییر است.

بسیج گروهی به صورت مستقیم بر اعتراض و شورش اثر گذار است. لذا می‌توان گفت با افزایش احتمال شکل‌گیری "بسیج برای خواسته‌های گروهی"، میزان اعتراض افزایش می‌یابد و نیز با افزایش احتمال شکل‌گیری "بسیج برای فعالیت سیاسی" میزان شورش افزایش می‌یابد.

اندازه گروه از طریق بسیج گروهی، تأثیر مثبتی بر اعتراض و شورش دارد؛ به طوری که می‌توان گفت با افزایش اندازه گروه، احتمال شکل‌گیری بسیج گروهی افزایش یافته است و با افزایش احتمال شکل‌گیری بسیج گروهی، میزان اعتراض و شورش نیز افزایش می‌یابد. با ورود بعد "بسیج خواسته‌های گروهی" در نمودار اعتراض و بعد "بسیج سیاسی" در نمودار شورش به جای شاخص تشکیل شده، از این دو بعد یعنی شاخص "بسیج گروهی"، معناداری رابطه نوع حکومت و شورش تغییر می‌کند. به طوریکه رابطه معنادار نوع حکومت و شورش کاملاً تغییر می‌کند و معناداری خود را از دست می‌دهد. این نکته حائز اهمیت است چرا که تمام تحقیقات پیشین متغیر نوع حکومت به عنوان متغیری که تاثیر بسزایی در تبیین شورش دارد، یاد کرده‌اند. در صورتی که با قرار گرفتن این متغیر در مدل کامل، معناداری رابطه از بین می‌رود. اما نکته این جا است که ورود بسیج سیاسی به جای شاخص بسیج گروهی منجر به ایجاد این تغییر گردید. ولی چرایی این مسأله به تحقیق و بررسی جامع‌تری نیاز دارد که در این مقال نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری

روابط همبستگی بین سیاست‌های تبعیضی و تضاد قومی نشان داد که در تمام دوره‌های زمانی، سیاست‌های تبعیضی رابطه مثبت و معناداری با تضاد قومی دارد. به عبارت دیگر هر چه سیاست‌ها تبعیض‌آمیزتر گردد، اعتراضات و شورش‌ها افزایش می‌یابد. بعد محیط زیستی نامساعد، تفاوت اقتصادی و تبعیض اقتصادی بیشترین روابط را با اعتراض و شورش

از خود نشان داده‌اند. بعد محیط زیستی نامساعد که به مسائل عینی و ملموس زندگی روزانه مربوط می‌شود، تاثیرگذارترین عامل برای توضیح شورش به حساب می‌آید. بعد تفاوت اقتصادی یا به عبارت بهتر نابرابری مزمن اقتصادی، قویترین رابطه را با اعتراض داشته و پس از آن تبعیض اقتصادی، بعد محیط زیستی نامساعد و تبعیض فرهنگی قرار دارند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که بعد اقتصادی (شامل تفاوت اقتصادی و تبعیض اقتصادی) تأثیر بیشتری در شکل‌گیری اعتراض دارد. در مورد شورش قضیه کاملاً فرق می‌کند، چرا که هیچ‌یک از ابعاد سیاست‌های تبعیضی با شورش رابطه معنادار ندارد به استثنای بعد محیط زیستی نامساعد که رابطه قوی، مثبت و معناداری را با شورش نشان می‌دهد. اگر به معرف‌های بعد محیط زیستی نامساعد توجه گردد، بعدی است که به صورت عینی ملموس بوده و افراد آن را به صورت روزانه درک می‌کنند. اما نمی‌توان این نتایج را به تمام مناطق به صورت قاعده‌ای عام تعمیم داد. با مراجعه به جدول (۵)، در هر منطقه از مناطق ۶ گانه مورد بررسی، اهمیت ابعاد سیاست‌های تبعیضی متفاوت است. لازم به ذکر است، تفاوت در اهمیت ابعاد سیاست‌های تبعیضی برای مناطق مختلف منجر به رد آنچه در بالا در مورد اهمیت بعد اقتصادی برای اعتراض و بعد محیط زیستی نامساعد برای شورش مطرح شد، نمی‌گردد. چرا که همانطور که در جدول (۵) ملاحظه می‌گردد برای اعتراض، بعد اقتصادی (شامل تفاوت و تبعیض اقتصادی) برای تمام مناطق مهمترین عامل به شمار رفته و برای شورش نیز بعد محیط زیستی نامساعد اهمیت بسزایی دارد.

بین شاخص بسیج گروهی و اعتراض و شورش رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین نتیجه جالب توجه رابطه معنادار بعد "بسیج برای فعالیت سیاسی" با شورش و عدم وجود رابطه معنادار این بعد، با اعتراض است. همچنین این روابط به صورت معکوس برای بعد "بسیج برای خواسته‌های گروهی" نیز صادق است. به طوریکه رابطه این بعد با اعتراض معنادار، ولی با شورش معنادار نمی‌باشد. با توجه به نتیجه فوق یکی از انتقادهایی که بر تحقیقات پیشین در حوزه تضاد قومی وارد است. این نکته است که در تحلیل‌های خود به تفکیک ابعاد بسیج گروهی نپرداخته‌اند. لذا در این تحقیق به این مسأله توجه شد و با توجه به نتایج مطرح شده لزوم تفکیک این دو بعد مشخص گردید.

تمرکز منطقه‌ای تأثیر مثبت و نسبتاً قوی بر هویت و انسجام گروهی دارد؛ هر چه گروه-

ها بیشتر در یک منطقه جغرافیایی متمرکز باشند، شدت هویت و انسجام گروهی افزایش می‌یابد. این نتیجه با ادعای بسیاری مبنی بر اینکه تمرکز منطقه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای است که در ترکیب با دیگر متغیرها شرایط را برای شکل‌گیری بسیج قومی مهیا می‌کند (والتر ۲۰۰۶، سدرمن و رود ۲۰۰۶، فیرون و لایتین ۲۰۰۱، گور و مور ۱۹۹۳) همخوانی دارد. لذا می‌توان گفت تمرکز منطقه‌ای از طریق تقویت هویت گروهی منجر به افزایش اعتراض و شورش می‌شود. اما نکته قابل ذکر این است که در این مطالعه چون واحد تحلیل کشور بوده است و برای ساختن شاخص هویت و انسجام گروهی از میانگین تمام گروه‌های قومی واقع در هر کشور استفاده شده است، بنابراین واریانس هویت گروهی کاهش یافته و رابطه معنادار بین هویت و انسجام گروهی با اعتراض و شورش مشاهده نشده است.

روابط همبستگی و رگرسیون بین نوع حکومت و اعتراض و شورش نشان از تأثیر بسزای نوع حکومت بر تضاد قومی دارد. نوع حکومت رابطه مثبت، معنادار و نسبتاً قوی (۲) پیرسون $0/25$ تا $0/37$) با اعتراض و رابطه منفی، معنادار و نسبتاً قوی (۲) پیرسون $0/28$ - تا $0/30$) با شورش دارد^۱. یعنی می‌توان گفت با توسعه سیاسی کشورها اعتراضات افزایش یافته و شورش‌ها کم می‌شود. این یافته‌ها، تئوری گور (۱۹۹۳) مبنی بر تأثیر مثبت نوع حکومت با اعتراض و تأثیر منفی نوع حکومت بر شورش را تأیید می‌کند.

بر خلاف فرضیه مطرح شده در این تحقیق و نیز بر خلاف ادعای برخی محققین، اندازه دولت متغیر تأثیر گذاری، حداقل به عنوان متغیر قریب - بر اعتراض یا شورش نبوده است. روابط همبستگی بین شاخص اندازه دولت و نیز ابعاد تشکیل دهنده این شاخص با اعتراض و شورش بیانگر این مدعا است. چرا که به جز در مواردی پراکنده و در واقع بین ابعاد شاخص اندازه دولت با اعتراض یا شورش - که هیچگونه نظمی نمی‌توان برای آن متصور شد - رابطه‌ای معنادار مشاهده نگردید. لذا می‌توان نتیجه گرفت که اندازه دولت متغیر "عام" تأثیر گذاری در تبیین تضاد قومی نمی‌باشد. "عام" از این لحاظ که ممکن است این متغیر در زمینه‌های مختلف و یا مناطق مختلف (مانند شمال آفریقا و خاورمیانه) تأثیر معناداری از خود نشان دهد، ولی در مدل عمومی و کلی که در این تحقیق آورده شده است، رابطه معناداری را از خود نشان نمی‌دهد.

^۱. این روابط آزمون شده‌اند ولی گزارش کامل آن در این نوشته ارائه نشده است.

در تحلیل نهایی، همانطور که ملاحظه گردید با تفکیک مناطق ۶ گانه و بررسی رابطه ابعاد سیاست‌های تبعیضی و تضاد قومی، بعد اقتصادی به عنوان مهمترین بعد در تبیین اعتراض شناخته شد. از طرفی بعد محیط زیستی نامساعد مهمترین بعد در تبیین شورش مطرح شد. بنابراین اگر به ابعاد سیاست‌های تبعیضی به صورت موازی و با وزن یکسان نگریسته نشود می‌توان از روی نتایج و به خصوص جدول (۵) به ابعاد سیاست‌های تبعیضی مانند یک طیف نگریست.

| | | | | |
|---------------|---------------|--------------|--------------|-------------|
| تبعیض اقتصادی | تفاوت اقتصادی | تبعیض فرهنگی | تبعیض سیاسی | تفاوت سیاسی |
| → | | | | |
| بیشترین اهمیت | | | کمترین اهمیت | |

طیف فوق با توجه به جدول (۵) و بر اساس درجه اهمیتی که برای تضاد قومی دارد، تشکیل شده است. از طرفی با بررسی نتایج روابط همبستگی و رگرسیون ابعاد سیاست‌های تبعیضی با تضاد قومی ملاحظه شد که بعد محیط زیستی نامساعد و تبعیض و تفاوت اقتصادی از مهمترین ابعاد هستند. با ملاحظه نتایج مربوط به منطقه کشورهای دموکراتیک پیشرفته صنعتی به این نتیجه رسیدیم که در این منطقه تفاوت اقتصادی مهمترین عامل بروز اعتراض است؛ به طوری که در این منطقه از بعد محیط زیستی نامساعد و تبعیض اقتصادی خبری نبود. از طرفی مشاهده شد که با دموکراتیک‌تر شدن کشورها میزان شورش کاهش و میزان اعتراض افزایش می‌یابد. بنابراین حتی در کشورهای کاملاً دموکراتیک از لحاظ مقیاسی که در این جا به کار گرفته شده است، باز هم پدیده تضاد قومی مطرح بوده و فقط ممکن است علت آن متفاوت از دیگر مناطق باشد.

با تمام این تفاسیر نتیجه ای که از این گفته ها می‌توان گرفت، این است که اگر با احتیاط به طیف فوق به صورت خطی نگاه کنیم، با از بین بردن هر یک از ابعاد سیاست‌های تبعیضی، از سمت راست طیف، که حالت حدی آن بعد محیط زیستی نامساعد است، دیگر ابعاد درجه اهمیت بالایی پیدا کرده و منجر به تضاد قومی می‌گردد. بنابراین برای رفع پایدار تضاد قومی باید درصدد رفع تمام ابعاد سیاست‌های تبعیضی بود. بدین منظور نه تنها باید شرایط زیستی مناسب باشد و دولت سیاست بی‌طرفی و بدون تبعیض را در قبال قومیت‌ها پیش گیرد، بلکه باید تفاوت‌هایی که از گذشته بین گروه‌های قومی به هر دلیل

ایجاد شده است و این تفاوت‌ها احساس نابرابری را برای گروه‌های قومی همراه دارد، به نوعی از طریق رفع نابرابری‌ها یا اعمال سیاست‌های جبرانی کم‌رنج شده تا احساس نابرابری کمتر و تضاد قومی کاهش یابد.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۷)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹) «تحلیل نظری منشأ و ارتباط هنجارهای اجتماعی و نابرابری‌ها» مجله تحلیل اجتماعی، نظم و نابرابری اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴/۵۹: صص ۲۶-۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) (چاپ پنجم ۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی
- نوئل، اسولیان (۱۳۸۸) «تکثر فرهنگی و محدودیت‌های لیبرالیسم» نظریه سیاسی در گذار (بررسی انتقادی)، ترجمه حسن آب‌نیکی، تهران: کویر
- Banaian King et al(2005), *New Interpretations of Indices of Economic Freedom*, San Francisco, California
- Bangura Yusuf (2006), "Ethnic Inequalities in the Public Sector: A Comparative Analysis", *Development and Change* 37(2): 299-328
- BUHAUG Halvard (2006), "Relative Capability and Rebel Objective in Civil War" *Journal of Peace Research*, vol. 43, no. 6: pp. 691-708
- Buhaug Halvard et al (2008), "Disaggregating Ethno-Nationalist Civil Wars: A Dyadic Test of Exclusion Theory", *International Organization* 62: pp+ 531-51
- Collier By Paul and anke hoeffler (2004), "Greed and grievance in civil war", *Oxford Economic papers* 56 , 563-595
- Davenport Christian, *Minorities at Risk*, DATASET USERS MANUAL 030703
- Fearon James D & David D. laitin (2003), "Ethnicity, Insurgency, and Civil War", *American Political Science Review* , Vol. 97, No. 1
- Fearon James D and David D. laitin (2001), "ETHNICITY, INSURGENCY, AND CIVIL WAR", *Annual Meetings of the American Political Science Association*, San Francisco, CA, August 30-September
- Fearon James D. et al (2007), "Ethnic Minority Rule and Civil War Onset", *American Political Science Review* , Vol. 101, No. 1
- Gurr Ted Robert (1993), "Why Minorities Rebel: A Global Analysis of Communal Mobilization and Conflict since 1945", *International Political Science Review*, 14: 161

- Gurr Ted Robert and Will H. moore (1997), "Ethnopolitical Rebellion: A Cross-Sectional Analysis of the 1980s with Risk Assessments for the 1990s", American Journal of Political Science, Vol. 41, No. 4: pp. 1079-1103
- Gurr, Ted Robert, (1994), "people against state: Ethnopolitical conflict and the changing world system". International Studies Quarterly, 38(3): 347-377
- Marshall Monty G and keith Jagers (2009), *Polity IV Project* : Political Regime Characteristics and Transitions, 1800-2007 Dataset Users Manual, Center for systematic Peace
- Minorities at Risk, Codebook version 2/2009, center for international Development and Conflict Management
- Opp, Karl-Dieter , (2009), *Theories of political protest and social movement*, London, Routledge
- Smith, Anthony , (1996), "Culture community and territory: the politics of ethnicity and Nationalism". International Affairs, 72(3): 445-458
- Steinberg David A (2008), "Laissez Fear: Assessing the Impact of Government Involvement in the Economy on Ethnic Violence", International Studies Quarterly 52: 235-259
- Walter Barbara F (2006), "Building Reputation: Why Governments Fight Some Separatists but Not Others", American Journal of Political Science, Vol. 50, No. 2: Pp. 313-330
- Walter Barbara F (2006), "Information, Uncertainty, and the Decision to Secede" , International Organization 60, Winter 2006: pp+ 105-135
- Wimmer Andreas (2009), "Ethnic Politics and Armed Conflict", American sociological review, vol. 74 (April:316-337)